

اعتماد به جنس مخالف در میان جوانان شهر تهران

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

۱۹ (۱): ۲۲-۱

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

فاطمه جمیلی^۱

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء، استادیار

سوسن باستانی

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء، دانشیار

فاطمه نصر اصفهانی

کارشناس ارشد پژوهشگری دانشگاه الزهراء

پذیرش: ۹۰/۱/۲۳

دریافت: ۱۹/۶/۲

چکیده

پژوهش حاضر درصدد مطالعه اعتماد به جنس مخالف در میان جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر تهران، در دو بُعد بین‌شخصی و عام، شناسایی میزان هریک از شاخص‌های فوق و نیز عوامل مرتبط با آنهاست. برای چارچوب نظری از نظریه چلبی، گیدنز، کلمن و زتومکا در بحث اعتماد، بهره‌برداری شده است. به منظور نزدیک‌تر کردن نظریه با واقعیت اجتماعی و بومی‌سازی در پایین‌ترین سطح، فرضیه‌یابی از مطالعه اکتشافی نیز صورت گرفته است. فرضیه‌ها با روش پیمایش و براساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در سه منطقه شهر تهران، با تعداد ۲۵۴ پرسش‌نامه مورد آزمون قرار گرفته است.

یافته‌ها بیانگر آن است که میزان اعتماد کل و بین‌شخصی به جنس مخالف پاسخ‌گویان، کمتر از متوسط است؛ یعنی زنان و مردان قابلیت اعتمادپذیری اندکی دارند. اما در بُعد اعتماد عام به جنس مخالف، نمره پاسخ‌گویان بیش از متوسط است. میان متغیرهای احساس امنیت، اعتماد بنیادین، تعامل اظهاری با جنس مخالف، تعهد در رابطه، تعهد درونی و نیز احساس نیاز به جنس مخالف، با متغیر اعتماد به جنس مخالف، رابطه معنادار و مثبت است. از میان این متغیرها، احساس امنیت در بُعد ذهنی (به معنای احساس آرامش، فراغت از ترس و تهدید و نیز احساس امنیت نسبت به جنس مخالف) دارای قوی‌ترین رابطه با متغیر وابسته است. در مورد متغیر تجربه‌های پیشین فرد که مأخوذ از مطالعه اکتشافی بوده است، یکی از ابعاد آن یعنی متغیر تجربه قبلی رسانه‌ای، با اعتماد به جنس مخالف رابطه معنادار و منفی دارد. سه متغیر احساس امنیت، احساس نیاز به رابطه با جنس مخالف و تعهد در رابطه با جنس مخالف، وارد معادله رگرسیونی شده و در نهایت، مجموعه عوامل مطرح‌شده بیش از ۳۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: اعتماد به جنس مخالف، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد عام، جوانان، بومی‌سازی،

احساس امنیت.

^۱. پست الکترونیکی نویسنده رابط: sabrejamil90@gmail.com

مقدمه

اعتماد اجتماعی یکی از مهم‌ترین متغیرها در پیوندها و تعاملات اجتماعی است و طی سال‌های اخیر، به‌شدت مورد توجه اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته است. بررسی اجمالی مجلات و سایت‌های معتبر و فعال در زمینه علوم اجتماعی در سطح جهان، حاکی از ادبیات روبه‌گسترش حوزه اعتماد در علوم اجتماعی و رشته‌های مرتبط است (هریس و همکاران، ۲۰۰۸؛ برتن و همکاران، ۲۰۰۷؛ چارلزلی، ۲۰۰۷؛ تیلور و همکاران، ۲۰۰۷؛ وان د. ریجت، ۲۰۰۶؛ دهلی و نیوتن، ۲۰۰۲؛ بوچان و همکاران، ۲۰۰۲؛ ۲۰۰۶-۱۶۸؛ راس و همکاران، ۲۰۰۱؛ ۵۹۱-۵۶۸؛ یاماگیشی و همکاران، ۱۹۹۸؛ ۱۹۴-۱۶۵؛ میشل، ۱۹۹۰). در ایران نیز تحقیقات و پژوهش‌هایی در این حوزه انجام گرفته است که یافته‌های آن‌ها، حکایت از سیر نزولی و پایین آمدن میزان اعتماد در میان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه دارد (عباس‌زاده، ۱۳۸۲؛ آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳؛ ۱۳۲-۱۰۰؛ سفیری و میرزامحمدی، ۱۳۸۵؛ ۵۷-۱۲۵؛ پنجه‌بند، ۱۳۸۵).

یکی از اساسی‌ترین مسائل در بحث اعتماد، شعاع اعتماد است که هرچه گسترده‌تر باشد و افراد و گروه‌های مختلف جامعه را فارغ از اینکه به کدام نژاد، قومیت، مذهب یا جنسیت تعلق دارند، دربرگیرد، جامعه امن‌تر و آرام‌تر خواهد بود و افراد می‌توانند به راحتی به دیگران و حتی غریبه‌ها اعتماد کنند، بدون آنکه ترس و واهمه‌ای از نقض اعتماد داشته باشند (چلبی، ۱۳۷۵؛ ۹-۱۵۸؛ فوکویاما، ۱۳۷۹؛ ۷-۱۲۴؛ زتومکا، ۱۳۸۶؛ ۸۰-۷۸). اعتماد به جنس مخالف، اعتماد به فرد یا افرادی از جنس مخالف که دارای رابطه سببی یا نسبی با فرد نیستند، یکی از وجوه این مسئله است که در شرایط کنونی، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است؛ چراکه جامعه ایران، جامعه‌ای جوان است و قریب به ۳۵ درصد جمعیت کشور را جوانان (گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۹ سال) تشکیل می‌دهند و اکثراً در سنین ازدواج و آماده تشکیل خانواده هستند. ۱. چنانچه امروز در میان جوانان میزان بی‌اعتمادی بالا باشد، آنان در آینده‌ای بسیار نزدیک، با مشکلات متعددی نظیر مشکل انتخاب همسر، ظن و گمان نسبت به همسر طی زندگی مشترک و متعاقباً بازتولید بی‌اعتمادی در نسل بعدی مواجه خواهند شد. گزارش‌های رسانه‌ای و برخی تحقیقات، مؤید پایین بودن میزان اعتماد افراد از دو جنس مخالف به یکدیگر است:

^۱. www.golestanre.ir/gallery/abstract/c.doc, viewed on 15.09.2009.

• در میان فیلم‌های سینمایی پرفروش و سریال‌های تلویزیونی پرمخاطب سال‌های اخیر، به نمونه‌های متعددی برمی‌خوریم که موضوع اصلی آن‌ها بی‌وفایی، دروغ‌گویی و غیرقابل اعتماد بودن افرادی از دو جنس است؛ به‌عنوان مثال، می‌توان به فیلم‌های سالاد فصل (۱۳۸۳)، نقاب (۱۳۸۳)، چهارشنبه‌سوری (۱۳۸۴) و... اشاره کرد که از جمله فیلم‌های عامه‌پسند و پرفروش سال‌های اخیر بوده‌اند؛

• در صفحات حوادث روزنامه‌هایی مانند ایران، همشهری و جام‌جم و در موسیقی‌ها و ترانه‌های عامه‌پسند سال‌های اخیر نیز می‌توان ردپای این بی‌وفایی‌ها، دروغ‌گویی‌ها، عدم درستکاری و نقض اعتماد را مشاهده کرد؛

• در گزارش تحقیقاتی سازمان ملی جوانان، یکی از موانع ازدواج جوانان، نداشتن اعتماد به جنس مخالف (از لحاظ اخلاقی و جنسی) عنوان شده است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱). از منظر جوانان، میزان تأثیر «نداشتن اعتماد به جنس مخالف» در به‌تأخیر انداختن ازدواج جوانان، بالاتر از حد «زیاد» بوده است. قابل توجه است که زنان به‌گونه‌ی معناداری، میزان تأثیر اعتماد به جنس مخالف را در به‌تأخیر افتادن ازدواج هر دو جنس، بیش از مردان ارزیابی کرده‌اند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۱۳۳).

با توجه به تعاملات روبه‌فزونی دختران و پسران جوان با یکدیگر، جا دارد میزان اعتماد به جنس مخالف و عوامل اجتماعی مرتبط با آن، مورد توجه و بررسی دقیق قرار گیرد. از آنجاکه اعتماد انواع گوناگونی دارد، اعتماد را از یک‌طرف باید در روابط و ارتباطات میان دو جنس بررسی نمود (اعتماد بین‌شخصی) و از طرف دیگر، باید دید که آیا جوانان به‌طور کلی یکدیگر را قابل اعتماد می‌دانند و به یکدیگر اعتماد می‌نمایند یا خیر (اعتماد عام). بر این اساس، اهداف تحقیق حاضر در دو بخش قابل طرح است:

۱. توصیف و شناسایی متغیر وابسته (اعتماد به جنس مخالف) در میان جوانان، در دو بُعد

عام (تعمیم‌یافته) و بین‌شخصی؛

۲. شناسایی عوامل اجتماعی مرتبط با اعتماد جوانان نسبت به جنس مخالف.

واکاوی ادبیات نظری

اعتماد به جنس مخالف، یکی از وجوه اعتماد اجتماعی است. صاحب‌نظران کلاسیک جامعه‌شناسی، اعتماد را از مسائل کلان جامعه به‌شمار می‌آورند و متغیرها و ویژگی‌های ساختی و کلان جامعه‌ای را در بروز آن مؤثر می‌شمارند. چنانکه آیزنشتات مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی را برای دورکیم و تاحدودی تونیس، اعتماد و هم‌بستگی اجتماعی قلمداد می‌کند (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). این نخستین جامعه‌شناسان، بیشتر به تحول جوامع از سنتی به مدرن و تأثیر آن بر ارزش‌های اجتماعی نظیر هم‌بستگی اجتماعی، نظم و اعتماد توجه داشته‌اند (میزتال، ۱۳۸۰: ۶۸-۵۵؛ آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳: ۷-۱۰۶). از میان جامعه‌شناسان معاصر، پارسونز و فوکویاما به اعتماد با دید کلان‌نگر نگرینسته‌اند. پارسونز اعتماد را از عناصر نظم اجتماعی به‌شمار می‌آورد و آن را به‌عنوان یکی از مقولات مشروعیت سیاسی نظام حکومتی مورد توجه قرار می‌دهد (توسلی، ۱۳۶۹: ۷-۴۸۵). فوکویاما نیز با دید اقتصادی، اهمیت عنصر اعتماد را در پیشرفت و توسعه اقتصادی مورد بحث قرار می‌دهد و تفاوت‌های جوامع را از این حیث بیان می‌دارد (فوکویاما، ۱۳۷۹).

در سطوح میانه و خرد، به نظریه‌پردازان انتخاب عقلانی و مبادله (مانند بلاو و کلمن) برمی‌خوریم. آنان تصمیم فرد برای اعتمادکردن را در شرایط مبادله، ناشی از منفعت و سود یا ضرر و زیان احتمالی ناشی از اعتماد می‌دانند (کلمن، ۱۳۷۷: ۷۲-۴۶). گیدنز نیز به‌عنوان نظریه‌پرداز جهان مدرن که در تحلیل‌های خود به تقریب سطوح خرد و کلان توجه داشته است، بحث اعتماد را در کتب خود به‌طور مفصل مطرح نموده است. او معتقد است در عرصه پرمخاطره جهان مدرن، نظام‌های اعتمادی قدیمی مانند دین، نظام خویشاوندی و... کارکرد کافی برای ایجاد و توسعه اعتماد ندارند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۱-۱۱۹). در چنین شرایطی، اعتماد بنیادین نقشی اساسی در ایجاد اعتماد ایفا می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۵-۶۳ و ۴۱-۱۳۱). در همین راستا، زتومکا (۱۳۸۶)، نظریه‌پرداز و جامعه‌شناس معاصر لهستانی، با ارائه نظریه «سیرورت اجتماعی فرهنگ اعتماد» تلاش می‌کند تا با رویکردی ترکیبی، بینش‌ها و تفسیرهای موجود در مورد اعتماد را با یکدیگر ترکیب کند و در قالب چارچوبی منظم ارائه دهد (زتومکا، ۱۳۷۶: ۴-۳).

چلبی نیز به‌عنوان نظریه‌پرداز جامعه‌شناسی نظم، در بحث اعتماد، به نظم اجتماعی، تعاملات گرم و تعهد متقابل اشاره می‌کند (چلبی، ۱۳۷۵: ۷-۱۶). در نظر او، دو عنصر اساسی سازنده

جامعه در سطح خرد، فرد و تعامل است. به لحاظ تحلیلی، تعامل بالقوه دارای دو وجه عمده است: یکی وجه ابزاری و دیگری اظهاری. با تمایز قائل شدن میان این دو نوع تعامل از منظر هدف، شیوه و ابزار، رابطه اظهاری با تولید صمیمیت، تعهد، اعتماد و بالاخره هنجار اجتماعی، مقوم نظم اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۵۱). در صورتی که به هر دلیل، روابط گرم در عرض جامعه به سردی گراید و احساس تعلق کنشگران به جامعه سست شود، به همان نسبت نیز اعتماد اجتماعی و نظم هنجاری و تعهدات جمعی و عمومی تضعیف می‌شوند (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۵۷). چلبی در بحثی پیرامون اختلال هنجاری (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۳۱-۱۳۲)، به آثار سوء چندگانگی ساختار نهادهای اجتماعی اشاره می‌کند که موجب افت قابل ملاحظه اعتماد اجتماعی می‌گردد. زور و حيله و تزوير، اسباب عمده تأمین منافع فردی می‌شوند و قابلیت پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای اجتماعی را تقلیل می‌دهند. کنشگران اجتماعی در پهنه چنین تعاملات اجتماعی، احساس امنیت نمی‌کنند. در نظر او (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۰۷)، امنیت یکی از اخیار جمعی است که جامعه برای شهروندان خود فراهم می‌کند. در بُعد ذهنی، مراد از امنیت، احساس آرامش یا عدم احساس تهدید و عدم احساس ترس ناشی از آن از سوی محیط‌های دور و نزدیک فرد است. درصدی از واریانس متغیر امنیت در بُعد ذهنی، متأثر از محیط نرم‌افزاری جامعه و نحوه اطلاع‌رسانی و مضامین آن است. احساس امنیت، بُعد ذهنی مفهوم امنیت به‌شمار می‌آید و دارای صبغه منفی است و به معنای نداشتن دغدغه نسبت به موضوع خاص است.

چارچوب نظری

در مرحله بعد و پس از خوانش و بررسی دقیق دیدگاه‌های نظری موجود در باب اعتماد، در چالش میان نظریه‌ها و واقعیات اجتماعی و به‌منظور نزدیک‌تر کردن آن‌ها به یکدیگر و بومی‌سازی در پایین‌ترین سطح، یک‌سری تحقیقات و مطالعات اکتشافی (شامل مصاحبه عمیق با تعداد ده نفر دختر و پسر جوان) صورت گرفته است. در نتیجه این مطالعات، اولاً واقعیت مسئله مورد بررسی (اعتماد به جنس مخالف) و دغدغه بودن آن در جامعه آماری تأیید گردیده است؛ به‌گونه‌ای که جوانان مورد مصاحبه، در صحبت‌های خود به وجود انواع و اقسام بی‌اعتمادی، بدبینی، دروغ‌گویی، پنهان‌کاری و نقش‌بازی کردن در میان دختران و پسران اشاره داشته و بر این مسئله صحه گذاشته‌اند. ثانیاً آنان این مسئله را صرفاً به سطح خرد و ارتباطات میان‌فردی دختران

و پسران ارجاع داده و عواملی مانند عدم شناخت از یکدیگر را در آن دخیل دانسته‌اند. بدین ترتیب، ضمن تمرکز بر سطح تحلیلی خرد و با اخذ یک متغیر جدید از مطالعه اکتشافی، تحت عنوان «تجربه‌های پیشین فرد» و اضافه‌نمودن آن به چارچوب نظری، مدل مقدماتی تحقیق تکمیل شده است.

در باب علت و نحوه گزینش متغیرها در چارچوب نظری، در مرحله اول، از نظریه کلمن که به‌طور ویژه، اعتماد در میان دو جنس را به‌صورت مفصل مطرح نموده، بهره‌برداری شده است. اما از آنجاکه نظریه او مربوط به جوامع غربی است و تا حدودی فاقد سازگاری لازم با مسائل و ویژگی‌های خاص جامعه ماست، به‌منظور بررسی دقیق‌تر، از نظریه چلبی در مورد اعتماد نیز متغیرهای تعاملات اظهاری با جنس مخالف، تعهد در رابطه با جنس مخالف، تعهد درونی و نیز احساس امنیت که در تحقیقات پیشین نیز مورد آزمون قرار گرفته‌اند، در مدل تحقیق گنجانده شده است. با توجه به نظریه چلبی مبنی بر اهمیت تعاملات اظهاری در شکل‌گیری اعتماد، نظم و اخلاق اجتماعی (چلبی، ۱۳۷۵: ۱-۲۵۰)، این متغیر به‌عنوان متغیر میانجی انتخاب گردیده است. در کنار این دو نظریه، نظریه گیدنز در باب اعتماد بنیادین که در تحقیقات داخلی، دارای هم‌بستگی مثبت با اعتماد بوده است، به‌عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین اعتماد در نظر گرفته شده است. براساس تحقیقات نظریه‌پرداز حوزه اعتماد، یعنی زتومکا (۱۳۸۶: ۲۲۰-۲۳۶)، متغیرهای زمینه‌ای (شامل سن، جنس، میزان تحصیلات و پایگاه اقتصادی - اجتماعی) نیز با اعتماد رابطه دارند. همچنین، به‌منظور بررسی دقیق متغیر وابسته تحقیق (اعتماد به جنس مخالف)، با توجه به نظریه زتومکا (۱۳۸۶) و طبقه‌بندی او از انواع اعتماد، اعتماد به جنس مخالف در دو بُعد بین‌شخصی و عام (تعمیم‌یافته) بررسی شده است. بدین ترتیب، مدل مقدماتی تحقیق حاضر، در نمودار ۱ ترسیم شده است.

فرضیه‌ها

با توجه به نظریه‌ها و متغیرهای معرفی شده، فرضیه‌های مأخوذ از آن‌ها به شرح ذیل مورد آزمون قرار می‌گیرند:

۱. میان اعتماد بنیادین و میزان اعتماد به جنس مخالف، رابطه مثبت وجود دارد؛
۲. میان تعاملات اظهاری با جنس مخالف و میزان اعتماد به جنس مخالف، رابطه مثبت وجود دارد؛

۳. میان طول مدت رابطه با جنس مخالف و میزان اعتماد به جنس مخالف، رابطه مثبت وجود دارد؛

۴. میان احساس نیاز به جنس مخالف و میزان اعتماد به جنس مخالف، رابطه مثبت وجود دارد؛

۵. میان احساس امنیت و میزان اعتماد به جنس مخالف، رابطه مثبت وجود دارد؛

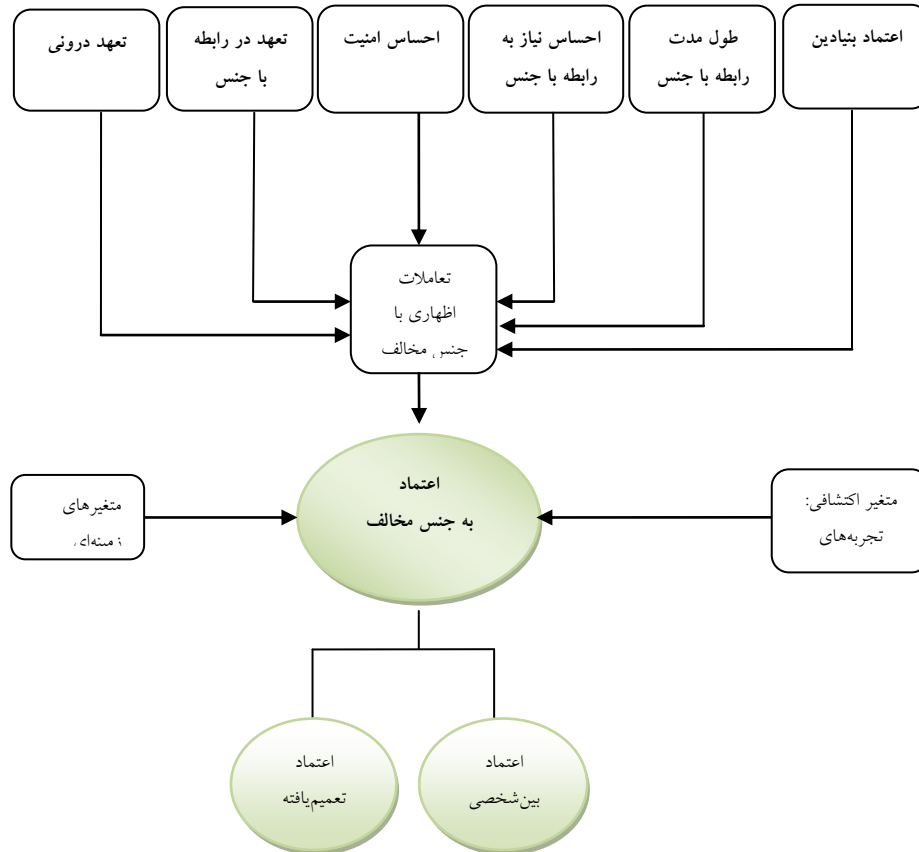
۶. میان تعهد در رابطه و میزان اعتماد به جنس مخالف، رابطه مثبت وجود دارد؛

۷. میان تعهد درونی و میزان اعتماد به جنس مخالف، رابطه مثبت وجود دارد؛

۸. میان متغیر اکتشافی (تجربه‌های پیشین فرد) و میزان اعتماد به جنس مخالف، رابطه منفی وجود دارد؛

۹. میان متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، میزان تحصیلات و پایگاه اقتصادی - اجتماعی) و میزان اعتماد به جنس مخالف، رابطه مثبت وجود دارد.

نمودار ۱. مدل مقدماتی تحقیق



تعریف نظری و عملی متغیرها

منظور از متغیر وابسته تحقیق، در جدول ۱ و منظور از متغیرهای مستقل، در جدول ۲ آمده

است:

جدول ۱. تعریف نظری و عملی متغیر وابسته و ابعاد آن

متغیرها	تعریف نظری	تعریف عملیاتی	طیف	تعداد
اعتماد به جنس مخالف	حالتی ذهنی و روحی است و می‌توان آن را به صورت حسن ظن فرد نسبت به افراد جنس مخالف خود تعریف کرد که این امر، موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آن‌ها می‌شود.	به‌عنوان متغیر وابسته و اصلی پژوهش حاضر، براساس نظریه زتومکا به دو زیرشاخه تقسیم می‌شود: اعتماد بین‌شخصی و عام.	لیکرت	۳۱ گویه
اعتماد عام	گسترده‌ترین دایره اعتماد، شامل دسته‌های بزرگی از مردم می‌شوند که معتقدیم در برخی از چیزها با آن‌ها اشتراک داریم. کسانی که به اصطلاح «دیگران غایب» هستند، مواجهه مستقیم با آن‌ها نداریم و تنها در تخیلمان آن‌ها را به‌عنوان یک جمع واقعی ساخته‌ایم (مانند هموطنانمان، اعضای گروه قومی، مذهبی، نژادی، جنسی، سنی، نسلی و شغلی مان و...)» (زتومکا، ۱۳۸۶: ۸۰-۷۹).	آیا فرد به‌طور کلی می‌تواند به افراد جنس مخالف اعتماد کند؟	لیکرت	۴ گویه
اعتماد بین شخصی	اعتمادی که حاصل روابط مستقیم و چهره‌به‌چهره میان اعضای جامعه است. «محدودترین شعاع اعتماد، مربوط به اعتماد میان اعضای خانواده و سپس، مربوط به افرادی می‌شود که به‌لحاظ شخصی، آن‌ها را می‌شناسیم و با آن‌ها رودررو تماس داریم (دوستانمان، همسایگانمان، همکاران، شرکای تجاری و...)» (زتومکا، ۱۳۸۶: ۷۸-۹)	نگرش فرد و مشاهدات او در مورد میزان اعتماد در روابط رودررو و چهره‌به‌چهره افراد با جنس مخالف، در موقعیت‌ها و زمینه‌های واقعی و زندگی روزمره، براساس پنج معرف صداقت، صراحت، سهیم‌کردن، تمایلات همکاری‌جویانه و اطمینان.	لیکرت	۲۷ گویه

جدول ۲. تعریف نظری و عملی متغیرهای مستقل

متغیرها	تعریف نظری	تعریف عملیاتی	طیف	تعداد
اعتماد بنیادین	اعتماد به دنیای عینی و ملموس و همچنین اعتماد به همیشگی بودن دیگران که از تجربیات نخستین مراحل کودکی سرچشمه می‌گیرد (گیلنز، ۱۳۷۸: ۳۲۲).	با استفاده از معرف‌های قابل اعتماد بودن جهان و قابل اعتماد بودن نوع بشر از نظر فرد.	لیکرت	۸ گویه
تعاملات اظهاری با جنس مخالف	شکلی از تعامل و رابطه بین دو کنشگر که از ملاحظاتی اقتصادی، تفکرات حسابگرانه و اهداف سودجویانه به دور است و عاطفه عامل اصلی پیوند میان افراد است. نوعاً این‌گونه رابطه، گرم و انتشاری است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱-۲۵۰).	از طریق چهار بُعد: نفس داشتن یا نداشتن رابطه دوستانه با جنس مخالف در گذشته یا حال، تعداد دوستان جنس مخالف، میزان صمیمیت فرد با آنان، نحوه رابطه با آنان (ملاقات حضوری، تماس تلفنی، رابطه اینترنتی و نامه) و میزان رابطه از هریک از طرق فوق.	لیکرت	۳ سؤال و ۱ گویه
طول مدت رابطه با جنس مخالف	«هرچه رابطه با اعتمادکننده طولانی‌تر و سودی که امین از آن رابطه توقع دارد، بیشتر باشد، امین بیشتر قابل اعتماد خواهد بود» (کلمن، ۱۳۷۸: ۲-۱۷۱).	مدت زمانی که فرد پاسخ‌گو، در رابطه نزدیک و صمیمانه با فرد یا افرادی از جنس مخالف بوده است.		۱ سؤال
احساس نیاز به جنس مخالف	نیاز شدید افراد به رابطه با جنس مخالف، به دلیل تنهایی، احساس کمبود عاطفی، عدم محبوبیت و... که منجر به اعتماد بعضاً بدون شناخت یا آگاهی قبلی از آنان می‌گردد (کلمن، ۱۳۷۸: ۱۶۹).	فرد به چه میزان، در خود نیاز به رابطه با جنس مخالف خود در ابعاد عاطفی، جنسی، اقتصادی، و مقایسه اجتماعی احساس می‌کند؟	لیکرت	۹ گویه
احساس امنیت	احساس امنیت، بُعد ذهنی مفهوم امنیت به‌شمار می‌آید که دارای صبغه منفی است و به معنای نداشتن دغدغه نسبت به موضوع خاص است (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۰۷).	بر اساس معرف‌های احساس امنیت در بُعد ذهنی (به معنای احساس آرامش، فراغت از ترس و تهدید) و احساس امنیت نسبت به جنس مخالف.	لیکرت	۷ گویه
تعهد در رابطه با جنس مخالف	احساس تعلق و وظیفه به دیگران (به‌ویژه دیگران مهم) و وفاداری (یا حداقل اعتماد) به ارزش‌ها، اهداف، انتظارات و ظرفیت‌های آن‌ها (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۷۷).	فرد به حفظ رابطه با فردی از جنس مخالف متعهد باشد؛ حتی اگر این رابطه برای او پاداش‌دهنده نباشد.	برش قطبین	۲ گویه
تعهد درونی	نوعی ضرورت اجتماعی و اخلاقی در افراد، در هنگام انجام فعالیت‌ها (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۰).	بر اساس معرف‌های پایبندی به قانون و عدم سوءاستفاده از موقعیت.	لیکرت	۷ گویه
تجربه‌های پیشین فرد	تجربه قبلی شخصی (برگرفته از مطالعه اکتشافی)	تجربه شکست عشقی و قطع یک رابطه و احساس افسردگی پس از آن.		۱ سؤال
	تجربه قبلی رسانه‌ای (برگرفته از مطالعه اکتشافی)	پیگیری صفحه حوادث در روزنامه‌ها و مجلات.		۱ سؤال
متغیرهای زمینه‌ای	سن، جنس، میزان تحصیلات و پایگاه اقتصادی - اجتماعی (زئومکا، ۱۳۸۶: ۲۲۰-۲۳۶)	بر اساس جنسیت، سن، سطح تحصیلات، وضعیت فعالیت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی.		۷ سؤال

روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایشی است. گردآوری داده‌ها از طریق تکنیک پرسش‌نامه انجام می‌گیرد. سطح تحلیل، خرد و واحد مشاهده، فرد است. جامعه آماری تحقیق، متشکل از جوانان مجرد ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن شهر تهران، روش نمونه‌گیری از نوع «خوشه‌ای چندمرحله‌ای» و حجم نمونه شامل ۲۵۴ پاسخ‌گوست که از طریق فرمول کوکران به دست آمده است. به منظور انطباق بیشتر بین نظریه‌ها و واقعیت اجتماعی، بومی‌سازی در پایین‌ترین سطح با استفاده از مطالعه اکتشافی صورت گرفته و تعداد ده نفر از جوانان شهر تهران، مورد مصاحبه عمیق قرار گرفته‌اند. از نتایج این بخش، در تدوین چارچوب نظری و انتخاب سطح تحلیل خرد استفاده گردیده است.

یافته‌های تحقیق

این مطالعه در میان ۲۵۴ نفر از جوانان ساکن شهر تهران انجام گردیده است. ۴۲ درصد پاسخ‌گویان زن و ۵۸ درصد مرد هستند و سهم هر دو جنس در حجم نمونه، متناسب با سهم آن‌ها در جامعه آماری است. سن پاسخ‌گویان بین ۱۵ تا ۲۹ سال قرار دارد و میانگین سنی آنان، حدود ۲۱ سال است. از نظر تحصیلی، ۴۸ درصد پاسخ‌گویان تحصیلات دانشگاهی دارند. ۳۳ درصد دیپلمه هستند و ۱۸٫۵ درصد هم تحصیلات پایین‌تر از دیپلم دارند. ۵۵ درصد از پاسخ‌گویان در حال تحصیل بوده، ۲۶ درصد شاغل و ۹٫۱ درصد نیز بیکار بوده‌اند. جداول ۳ و ۴، خصوصیات زمینه‌ای حجم نمونه تحقیق را به صورت تفصیلی نشان می‌دهد.

جدول ۳. ویژگی‌های فردی جمعیت نمونه

ویژگی	جنسیت		گروه سنی			سطح تحصیلات						وضعیت فعالیت		
	زن	مرد	۱۹	۲۴	۲۹	راهنمایی	دبیرستان	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	بالا	محصل	شاغل	یکار
درصد	۴۲٫۱	۵۷٫۹	۲۸٫۶	۴۰٫۶	۲۰٫۹	۵٫۲	۱۳٫۵	۳۳٫۷	۱۳٫۱	۲۷	۷٫۵	۵۵٫۶	۳۱٫۴	۹٫۲
													شاغل و محصل	سایر
													۵٫۶	۳٫۲

جدول ۴. ویژگی‌های اجتماعی جمعیت نمونه

ویژگی	منطقه محل سکونت			پایگاه اقتصادی- اجتماعی		
	۳	۶	۱۷	خیلی پایین	متوسط	بالا
درصد	۳۶,۲	۳۵,۴	۲۸,۳	۱۱,۳	۴۶,۳	۳۱,۷
				۲,۵	۸,۳	۲,۵

همچنین، یافته‌های توصیفی مربوط به میزان و مقادیر متغیر وابسته، به تفکیک ابعاد و جنسیت، در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. میزان و مقادیر متغیر وابسته (اعتماد به جنس مخالف)، به تفکیک ابعاد و جنسیت

متغیر	میانگین برحسب جنسیت			مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
	زن	مرد	جمع کل			
اعتماد بین شخصی	۴۵,۵۷	۵۰,۶۹	۴۸,۵۶	-۱,۸۵۵	۲۲۱	۰,۰۶۵
اعتماد عام	۵۵,۸۱	۵۴,۱۶	۵۴,۸۵	۰,۶۴۵	۲۳۹	۰,۵۱۹
شاخص اعتماد کل	۴۶	۵۱,۰۹	۴۸,۹۷	-۱,۸۷۰	۲۱۴	۰,۰۶۳

یافته‌های توصیفی برحسب میانگین مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج عبارت‌اند از:

۱. میانگین اعتماد عام، بر روی طیفی از ۰ تا ۱۰۰ نمره، ۵۴,۸۵ است که نشان از اعتماد بیش از متوسط افراد نمونه به جنس مخالفشان دارد؛ با این تفاوت که میزان این شاخص، در میان زنان اندکی بیش از مردان است. این یافته بیانگر آن است که براساس اعتماد تعمیم‌یافته، مردان قابل اعتمادتر تشخیص داده می‌شوند تا زنان؛

۲. میانگین اعتماد بین شخصی، بر روی طیفی از ۰ تا ۱۰۰ نمره، ۴۸,۵۶ است که نمره‌ای کمتر از متوسط است. در این شاخص، نمره زنان نسبت به مردان به شدت کمتر است؛ یعنی زنان به مردان، بسیار کمتر اعتماد دارند و در تعاملات روزانه و کنش‌های متقابل ترجیح می‌دهند که کمتر به افراد جنس مخالفشان اعتماد نموده، کمتر حاضر هستند مردان را در منابع و ذخایر خود شریک کنند؛

۳. از ترکیب دو بُعد اعتماد عام و بین شخصی به جنس مخالف، شاخص اعتماد کل به جنس مخالف به دست می‌آید که از نمره ۰ تا ۱۰۰ متغیر است. میانگین نمره پاسخ‌گویان در این شاخص ۴۸,۹۷ است؛ یعنی جامعه آماری، به افراد جنس مخالف خود کمتر از متوسط اعتماد می‌نمایند. همچنین براساس نمرات میانگین، زنان بسیار کمتر از مردان به جنس مخالف اعتماد

می‌کنند (نمره زنان چهار نمره پایین‌تر از متوسط و نمره مردان یک نمره بالاتر از متوسط است). پس براساس اعتماد کل، مردان کمتر از زنان قابل اعتماد تشخیص داده شده‌اند. در مجموع، تفاوت میانگین انواع اعتماد در زنان و مردان، معنادار نبوده است.

آزمون فرضیه‌ها

بررسی روابط دومتغیره و آزمون آماری فرضیه‌ها نیز نشان می‌دهد که از مجموع نه فرضیه مورد نظر، هشت فرضیه مورد تأیید قرار گرفته و تنها یک فرضیه از کلمن ابطال شده است.

فرضیه اول: رابطه اعتماد بنیادین و اعتماد به جنس مخالف

با استفاده از آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون، هم‌بستگی متغیر اعتماد بنیادین با اعتماد بین شخصی، غیرمعنادار است؛ اما با اعتماد عام و شاخص اعتماد کل (به ترتیب با ضرایب ۰,۳۸۱ و ۰,۲۶۵) معنادار است. بنابراین می‌توان انتظار داشت که با افزایش اعتماد بنیادین افراد، اعتماد عام و شاخص اعتماد کل آنان به جنس مخالفشان نیز افزایش داشته باشد. این یافته، با نظریه گیدنز (۱۳۷۸) مبنی بر رابطه اعتماد بنیادین (باورداشتن به دنیای عینی و ملموس و همیشگی بودن دیگران) با اعتماد به جهان هستی و نوع بشر در جهان مدرن و نیز با نتایج تحقیقات میرزامحمدی (۱۳۸۳) و پنجه‌بند (۱۳۸۵) همخوانی دارد.

فرضیه دوم: رابطه تعاملات اظهاری و اعتماد به جنس مخالف

داده‌ها نشان می‌دهد که میان پاسخ‌گویانی دارای تعامل اظهاری با جنس مخالف و آنان که چنین تعاملاتی ندارند، تفاوت معناداری در اعتماد بین شخصی و شاخص اعتماد کل به جنس مخالف وجود دارد؛ اما این تفاوت در مورد اعتماد عام به جنس مخالف معنادار نیست و میانگین اعتماد عام هر دو گروه، بیش از متوسط است. همچنین آنان که دارای تعامل اظهاری با جنس مخالف خود بوده‌اند، اعتماد بین شخصی در حد متوسط داشته‌اند؛ اما آنان که چنین تعاملاتی نداشته‌اند، اعتمادشان بسیار کمتر (نه نمره پایین‌تر از متوسط) بوده است. در مجموع، اعتماد کل افرادی که سابقه رابطه دوستانه با جنس مخالف خود داشته‌اند، یک نمره بیش از متوسط (۵۱,۱۵) است؛ اما افرادی که چنین روابطی را تجربه نکرده‌اند، به‌طور بارزی اعتماد کمتری نیز به جنس مخالف خود داشته‌اند و میانگین نمرات آنان در این شاخص، ۴۲,۵۸ است که هشت

نمره از متوسط پایین تر است. این یافته با نظریه چلبی مبنی بر رابطه میان تعاملات اظهاری (که از ملاحظات اقتصادی، تفکرات حسابگرانه و اهداف سودجویانه به دور است) با اعتماد، همخوانی دارد. در تحقیقات امیرکافی (۱۳۷۴) و بوچان و همکاران (۲۰۰۲) نیز در این مورد نتایج مشابهی دیده می شود.

فرضیه سوم: رابطه طول مدت رابطه و اعتماد به جنس مخالف

این متغیر، تنها با شاخص اعتماد بین شخصی هم بستگی معنادار و با شدت $0,163$ دارد. بر این اساس، می توان انتظار داشت که با افزایش طول مدت رابطه فرد با جنس مخالف خود، اعتماد بین شخصی وی (در تعاملات و کنش های روزانه) نیز افزایش داشته باشد؛ اما از آنجاکه این متغیر با اعتماد عام و شاخص اعتماد کل برای پاسخ گویان هم بستگی معناداری ندارد، این فرضیه مورد تأیید قرار نگرفته و نظریه کلمن در این مورد ابطال می گردد. بنابراین نمی توان انتظار داشت که با افزایش طول مدت رابطه فرد با جنس مخالف، اعتماد عام و شاخص اعتماد کل نسبت به آنان نیز افزایش داشته باشد.

فرضیه چهارم: رابطه احساس نیاز و اعتماد به جنس مخالف

میان این متغیر و اعتماد بین شخصی به جنس مخالف، رابطه ای مثبت و قوی ($r=0,323$) وجود دارد که در سطح $0,01$ معنادار است. همچنین شاخص اعتماد کل به جنس مخالف، با متغیر احساس نیاز به رابطه با جنس مخالف، رابطه معنادار در سطح $0,05$ درصد داشته است. این رابطه مثبت است و شدت رابطه نیز متوسط ارزیابی می گردد ($r=0,146$)؛ یعنی می توان انتظار داشت که با افزایش نیاز فرد به رابطه با جنس مخالف، اعتماد او در تعاملات بین شخصی و شاخص اعتماد کل وی به افراد جنس مخالف نیز افزایش داشته باشد. اعتماد عام نیز اگرچه رابطه ای منفی و ضعیف با متغیر مورد نظر دارد؛ اما این رابطه معنادار نیست. این یافته با نظریه کلمن مبنی بر رابطه میان احساس نیاز به جنس مخالف (به دلیل احساس کمبود عاطفی، تنهایی، عدم محبوبیت و...) و اعتماد به او همخوانی دارد.

فرضیه پنجم: رابطه احساس امنیت و اعتماد به جنس مخالف

میان این متغیر با هر دو بُعد و شاخص کلی اعتماد به جنس مخالف، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. این رابطه در مورد اعتماد عام ($r=0,499$) و شاخص اعتماد کل ($r=0,460$)، بسیار

قوی و در مورد اعتماد بین‌شخصی قوی است ($r=0,187$)؛ یعنی افزایش فراغت از ترس و تهدید در جامعه به‌طور عام و احساس امنیت نسبت به جنس مخالف به‌طور خاص، با افزایش اعتماد به جنس مخالف هم‌بسته است و بالعکس. به‌عبارتی، با کاهش احساس امنیت افراد، می‌توان انتظار داشت که اعتماد آنان نیز به جنس مخالفشان کاهش داشته باشد. این یافته با نظریه چلبی مبنی بر فراغت ذهنی از دغدغه‌های خاص و رابطه آن با اعتماد همخوانی دارد. همچنین، در تحقیقات پیشین که توسط محققینی چون امیرکافی (۱۳۷۴) و عباس‌زاده (۱۳۸۲) انجام گرفته‌اند و نیز تحقیقات دلهی و نیوتن (۲۰۰۲) و راس و همکاران (۲۰۰۱)، نتایج مشابهی دریافت می‌شود.

فرضیه ششم: رابطه تعهد در رابطه و اعتماد به جنس مخالف

داده‌ها نشان می‌دهد که میان هر دو بُعد اعتماد بین‌شخصی ($r=0,166$)، اعتماد عام ($r=0,160$) و شاخص کل اعتماد به جنس مخالف ($r=0,201$)، با تعهد در رابطه هم‌بستگی معنادار (در سطح ۰,۰۵) قوی و مثبت وجود دارد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که با افزایش تعهد در روابط افراد با جنس مخالف، اعتماد به جنس مخالف در دو بُعد عام و بین‌شخصی و شاخص اعتماد کل نیز افزایش داشته باشد. یافته مذکور با نظریه چلبی مبنی بر رابطه میان احساس تعلق و وظیفه و وابستگی عاطفی و ضرورت اخلاقی نسبت به افراد با اعتماد، همخوانی دارد. نتایج مشابهی نیز در تحقیقات امیرکافی (۱۳۷۴) و میرزامحمدی (۱۳۸۳) در این مورد مشاهده می‌شود.

فرضیه هفتم: رابطه تعهد درونی و اعتماد به جنس مخالف

متغیر تعهد درونی با متغیر اعتماد عام به جنس مخالف ($r=0,175$) و نیز با اعتماد کل به جنس مخالف ($r=0,159$)، دارای رابطه معنادار، مثبت و با شدت متوسط است؛ اما رابطه آن با اعتماد بین‌شخصی، غیرمعنادار است. بنابراین می‌توان انتظار داشت که با افزایش تعهد درونی افراد به قواعد و احکام جامعه، اعتماد عام و اعتماد کل آنان به جنس مخالفشان نیز افزایش داشته باشد. این یافته با نظریه چلبی مبنی بر رابطه میان پایبندی و ایمان قلبی به قواعد نظری جامعه با اعتماد و نیز نتایج تحقیق امیرکافی (۱۳۷۴) در این مورد همخوانی دارد. رابطه متغیرهای مستقل با ابعاد و شاخص اعتماد به جنس مخالف، در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. بررسی رابطه متغیرهای مستقل با ابعاد و شاخص اعتماد به جنس مخالف

اعتماد کل		اعتماد بین شخصی		اعتماد عام		ابعاد متغیر وابسته متغیرهای مستقل
سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	
۰,۰۰۰	۰,۲۶۵**	۰,۴۰۲	-۰,۰۵۷	۰,۰۰۰	۰,۳۸۱**	اعتماد بنیادین
۰,۸۱۳	-۰,۰۱۷	۰,۱۷۰	۰,۰۹۴	۰,۲۳۴	-۰,۰۷۸	تعداد دوستان جنس مخالف
۰,۱۲۸	۰,۱۰۵	۰,۰۱۶	۰,۱۶۳*	۰,۶۳۵	۰,۰۳۱	طول مدت رابطه
۰,۰۳۲	۰,۱۴۶*	۰,۰۰۰	۰,۳۲۳**	۰,۵۱۹	-۰,۰۴۲	احساس نیاز به رابطه با جنس مخالف
۰,۰۰۰	۰,۴۶۰**	۰,۰۰۶	۰,۱۸۷**	۰,۰۰۰	۰,۴۹۹**	احساس امنیت
۰,۰۰۳	۰,۲۰۱**	۰,۰۱۴	۰,۱۶۶*	۰,۰۱۵	۰,۱۶۰*	تعهد در رابطه
۰,۰۲۲	۰,۱۵۹*	۰,۱۹۲	۰,۰۸۹	۰,۰۰۸	۰,۱۷۵**	تعهد درونی

فرضیه هشتم: رابطه تجربه‌های پیشین فرد و اعتماد به جنس مخالف

در باب هم‌بستگی متغیرهای مطالعه اکتشافی (تجربه‌های پیشین فرد) نیز باید گفت از میان این دو متغیر (تجربه قبلی شخصی و تجربه قبلی رسانه‌ای)، تنها، رابطه متغیر تجربه قبلی رسانه‌ای (به معنای پیگیری و خواندن صفحات حوادث در روزنامه‌ها و مجلات) با میزان اعتماد عام به جنس مخالف، معنادار و منفی بوده است؛ به طوری که بالا بودن میانگین خواندن این گونه صفحات، با کاهش چندنمره‌ای میانگین اعتماد عام پاسخ‌گویان رابطه دارد. اما رابطه متغیر تجربه قبلی شخصی (تجربه شکست و قطع یک رابطه و احساس افسردگی پس از آن)، با هیچ‌یک از ابعاد و شاخص متغیر وابسته معنادار نگردیده است. لازم به ذکر است که متغیر مذکور، در جامعه ما دارای بار ارزشی است و این یافته، قابل تأمل است.

رابطه متغیرهای مذکور، در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. رابطه متغیرهای مطالعه اکتشافی (تجربه قبلی شخصی و تجربه قبلی رسانه‌ای) با ابعاد و شاخص اعتماد به جنس مخالف

تجربه قبلی شخصی (تجربه شکست عشقی)						تجربه قبلی رسانه‌ای						متغیرها
سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار t	انحراف استاندارد	میانگین	گروه‌ها	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار t	انحراف استاندارد	میانگین	گروه‌ها	
۰,۲۷۰	۱۶۳	-۱,۱۰۶	۲۰,۴۹	۴۹,۶۹	بدون سابقه شکست	۰,۴۳۵	۲۰۱,۷۱۴	۰,۸۳	۱۸,۴۶	۴۹,۵۸	عدم مطالعه	اعتماد بین شخصی
			۲۰,۹۰	۵۳,۳۴	دارای سابقه شکست				۲۲,۴۸	۴۷,۴۱	مطالعه	
۰,۵۱۰	۱۷۵	۰,۶۶۰	۱۹,۴۵	۵۵,۴۵	بدون سابقه شکست	۰,۰۰۰	۲۳۵,۴۹۱	۳,۹۳۲	۲۰,۵۸	۵۹,۵۰	عدم مطالعه	اعتماد عام
			۲۰,۶۱	۵۳,۴۲	دارای سابقه شکست				۱۷,۱۷	۴۹,۹۲	مطالعه	
۰,۵۲۳	۱۵۹	-۰,۶۴۰	۱۹,۵۵	۵۰,۳۴	بدون سابقه شکست	۰,۲۱۳	۱۹۱,۹۶۰	۱,۲۴۹	۱۷,۶۸	۵۰,۵۷	عدم مطالعه	شاخص اعتماد کل
			۲۱,۲۵	۵۲,۴۴	دارای سابقه شکست				۲۱,۹۲	۴۷,۱۵	مطالعه	

فرضیه نهم: رابطه متغیرهای زمینه‌ای و اعتماد به جنس مخالف

از میان متغیرهای زمینه‌ای، سن، سطح تحصیلات، وضع فعالیت، منطقه محل سکونت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با اعتماد عام؛ منطقه محل سکونت با اعتماد بین‌شخصی؛ سن، سطح تحصیلات و منطقه با شاخص اعتماد کل به جنس مخالف، رابطه معنادار داشته‌اند و سایر متغیرهای زمینه‌ای، فاقد رابطه معنادار با اعتماد به جنس مخالف بوده‌اند.

تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر

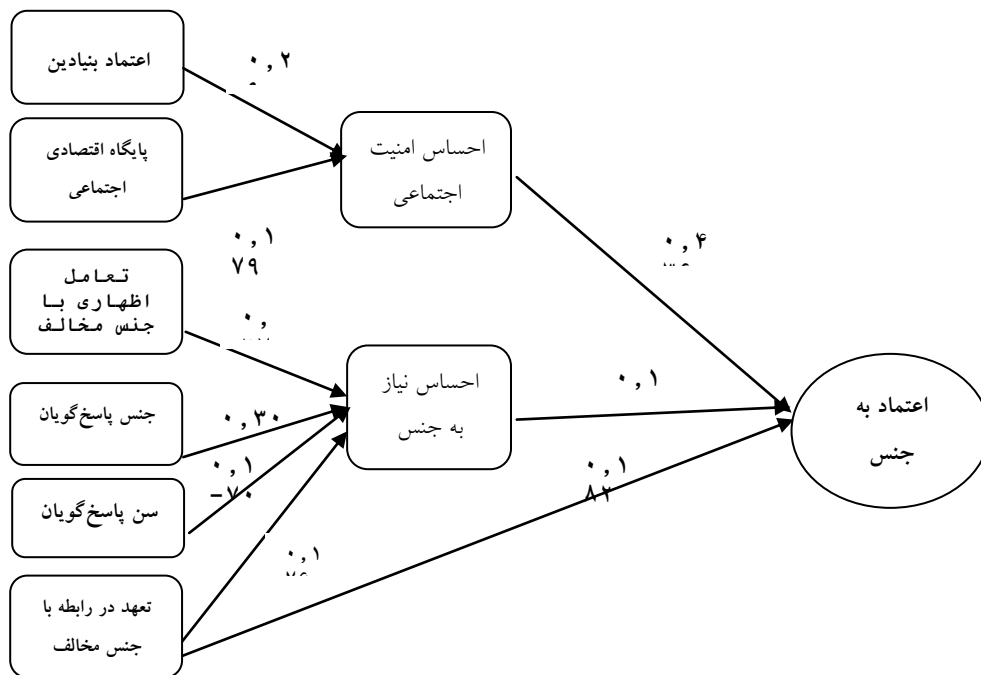
نتایج حاصله از تحلیل رگرسیون چندگانه نیز بیانگر آن است که از مجموع چهارده متغیر تحقیق، سه متغیر احساس امنیت، احساس نیاز به جنس مخالف و تعهد در رابطه با جنس مخالف، دارای سطح معناداری مطلوب با متغیر وابسته بوده و لذا وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. ضریب هم‌بستگی چندگانه ۰,۵۹۹ و ضریب تعیین برابر با ۰,۳۵۹ گزارش شده است؛ یعنی متغیرهای مذکور توانسته‌اند بیش از ۳۵ درصد واریانس تغییرات مربوط به اعتماد به جنس مخالف (متغیر وابسته) را تبیین نمایند.

چنانکه در دیاگرام تحلیل مسیر مطالعه حاضر قابل مشاهده است، متغیر «احساس امنیت» قوی‌ترین رابطه معنادار را با متغیر وابسته داشته است. پس از متغیر فوق، احساس نیاز به جنس مخالف با ضریب مسیر ۰,۱۸۵ و تعهد در رابطه با ضریب ۰,۱۸۲، رابطه مستقیم با اعتماد به جنس مخالف دارند. متغیرهای اعتماد بنیادین و پایگاه اقتصادی - اجتماعی، به صورت غیرمستقیم و از طریق احساس امنیت، بر اعتماد به جنس مخالف مؤثر هستند. متغیرهای تعامل‌آزاری با جنس مخالف، سن، جنس و تعهد در رابطه نیز به صورت غیرمستقیم و این بار از طریق متغیر احساس نیاز به جنس مخالف، بر اعتماد به جنس مخالف مؤثر هستند. لذا می‌توان بیان داشت که اولاً افراد با اعتماد بنیادین بیشتر (افرادی که به دنیای عینی و ملموس و به همیشگی بودن دیگران اعتماد بیشتری دارند) و دارای پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتر هستند، احساس امنیت و متعاقباً اعتماد بیشتری نیز به جنس مخالف خود دارند. همچنین افراد با سنین بالاتر، پاسخ‌گویان مرد و افراد با سابقه تعامل‌آزاری با جنس مخالف، نیاز بیشتری به برقراری رابطه با جنس مخالف احساس کرده و اعتماد بیشتری نیز به آنان ابراز داشته‌اند. درنهایت، متغیر

تعهد در رابطه نیز به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم (از طریق متغیر احساس نیاز)، بر اعتماد به جنس مخالف مؤثر بوده است.

مقایسه نمودار تحلیل مسیر به‌دست‌آمده، با مدل علی تحقیق نیز نشان می‌دهد که اگرچه تعامل‌آزاری، عنصر و هسته اساسی اعتماد قلمداد شده بود؛ اما نتایج تحلیل مسیر بیانگر آن است که احساس امنیت به‌عنوان متغیر واسطه، باید به‌عنوان متغیر اصلی و پیش‌بین اعتماد به جنس مخالف در نظر گرفته شود. این یافته با نتایج تحقیقات قبلی از جمله پژوهش عباس‌زاده (۱۳۸۲) و دل‌هی و نیوتن (۲۰۰۲) نیز همخوانی دارد (نمودار ۳).

نمودار ۳. نمودار تحلیل مسیر عوامل مرتبط با اعتماد به جنس مخالف



بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پژوهش حاضر با هدف بررسی اعتماد به جنس مخالف، با اخذ رویکردی ترکیبی از نظریه‌پردازان جامعه‌شناس و نیز فرضیه‌یابی از طریق مطالعه اکتشافی (بومی‌سازی در پایین‌ترین سطح) با روش پیمایش در میان جوانان شهر تهران انجام گردیده است. براساس نظریه زتومکا نیز

شاخص کل اعتماد، در دو بُعد اعتماد بین‌شخصی و اعتماد عام مورد آزمون قرار گرفته است. بنابر داده‌های توصیفی، میانگین شاخص اعتماد کل و اعتماد بین‌شخصی به جنس مخالف در میان پاسخ‌گویان کمتر از متوسط، اما میانگین اعتماد عام آنان به یکدیگر بیش از متوسط است. در مجموع زنان و مردان جامعه مورد مطالعه، هر دو، قابلیت اعتمادپذیری اندکی داشته‌اند. بررسی روابط دومتغیره حکایت از آن دارد که اعتماد عام، بیشتر با متغیرهای فردی (تعهد در رابطه و تعهد درونی)، متغیرهای زمینه‌ای به‌همراه اعتماد بنیادین و احساس امنیت؛ و اعتماد بین‌شخصی بیشتر با متغیرهای مربوط به رابطه (تعاملات اظهاری با جنس مخالف، طول مدت رابطه، احساس نیاز و تعهد در رابطه) به‌همراه احساس امنیت، رابطه معنادار و مستقیم داشته‌اند. شاخص اعتماد کل به جنس مخالف نیز دارای رابطه معنادار و مستقیم با ترکیبی از هر دو نوع متغیر بوده است.

داده‌های بخش استنباطی و تحلیل چندمتغیره نیز نشان می‌دهد که مجموعه عوامل مطرح‌شده، می‌توانند در تبیین اعتماد به جنس مخالف جایگاه مناسبی داشته باشند. بدین معنا که با افزایش احساس امنیت جوانان و فراغت آنان از دغدغه‌های ذهنی ناشی از تهدیدهای اجتماعی و به‌ویژه در روابط بین‌شخصی با جنس مخالف، همچنین با افزایش یافتن تعهد و پایبندی‌های اخلاقی در روابط اجتماعی به‌ویژه با جنس مخالف و بالاخره با افزایش نیاز جوانان به برقراری رابطه با یکدیگر، می‌توان انتظار داشت که اعتماد به جنس مخالف نیز افزایش داشته باشد. در مورد تجربه‌های قبلی شخصی (متغیر اکتشافی)، تجربه رسانه‌ای رابطه معنادار و منفی با اعتماد به جنس مخالف داشته است. این یافته، با نظر چلبی مبنی بر نقش عمده محیط نرم‌افزاری جامعه و چگونگی اطلاع‌رسانی در شکل‌گیری احساس امنیت و متعاقباً رابطه آن‌ها با اعتماد، همخوانی دارد؛ لذا یافته مذکور، بیانگر کارایی بومی‌سازی در کشف سازوکارهای مرتبط با اعتماد به جنس مخالف نیز بوده است.

به‌عنوان نتیجه‌گیری نظری می‌توان بیان داشت که نظریه گیدنز در باب اهمیت اعتماد بنیادین، نظر کلان در مورد اهمیت احساس نیاز به رابطه با جنس مخالف و نیز متغیرهای مورد اشاره چلبی شامل تعاملات اظهاری (البته نه به‌عنوان متغیر میانجی)، تعهد در رابطه با جنس مخالف، تعهد درونی و احساس امنیت، همگی در رابطه با اعتماد به جنس مخالف مورد تأیید قرار گرفته است و تنها، متغیر طول مدت رابطه که کلان مطرح ساخته بود، دارای رابطه معنادار با متغیر

وابسته نبوده است. همچنین از میان متغیرهای زمینه‌ای مورد اشاره زتومکا، سن، سطح تحصیلات و پایگاه اقتصادی - اجتماعی، با اعتماد عام به جنس مخالف رابطه معنادار داشته‌اند. براساس یافته‌های تحقیق، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- از آنجاکه هم‌بستگی‌های مشاهده‌شده میان متغیرهای مستقل و وابسته، از نوع هم‌تغییری است و نمی‌توان بر این اساس، از رابطه علی متغیرها سخن گفت، به‌منظور پرهیز از هرگونه شتاب‌زدگی در قضاوت علمی برای توصیه‌های اجتماعی، انجام تحقیقات عمیق‌تر کیفی - کمی برای تعیین تقدم و تأخر متغیرها پیشنهاد می‌گردد؛
- از آنجاکه متغیر تجربه شکست عشقی، در جامعه ما دارای بار ارزشی است و ممکن است معنادار نبودن آن، ناشی از خودسانسوری پاسخ‌گویان باشد، بررسی کیفی متغیر مذکور پیشنهاد می‌گردد؛
- گونه‌های مختلف روابط دختران و پسران جوان و افزایش آن‌ها، سیاست‌گذاری‌های آموزشی و تربیتی متناسب با شرایط جدید اجتماعی را ضروری می‌نماید؛ از این‌رو، نوع‌شناسی روابط میان دو جنس مخالف در جوانان و آسیب‌شناسی آن‌ها پیشنهاد می‌گردد؛
- به‌لحاظ کارایی مطالعات اکتشافی، به‌ویژه در تبیین متغیرهایی که دارای بار ارزشی هستند، جهت بومی‌سازی و تقریب سطوح خرد و کلان، بررسی مسئله تحقیق با رویکرد نظریه بازکاوی^۱ پیشنهاد می‌گردد؛
- از آنجاکه در تحلیل مسیر، سه متغیر احساس امنیت اجتماعی (فراغت از ترس و تهدید در جامعه به‌طور عام و احساس امنیت نسبت به جنس مخالف به‌طور خاص)، احساس نیاز به جنس مخالف (به‌دلیل احساس کمبود عاطفی، تنهایی، عدم محبوبیت و...) و تعهد در رابطه با جنس مخالف، به‌طور مستقیم با اعتماد به جنس مخالف رابطه معنادار داشته‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که از یک‌طرف، احساس محرومیت جوانان در عرصه خانواده و دوستان، با احساس نیاز و گرایش به جنس مخالف رابطه مستقیم دارد و از طرف دیگر، کاهش تعهد در رابطه با جنس مخالف و متعاقباً تجربه‌های پرخطر آن، بیانگر موضوع فریب یا دوگانگی اجتماعی نظر و عمل در روابط دختران و پسران است. این موضوع در سطحی تعمیم‌یافته‌تر، با بی‌اعتمادی و کاهش احساس امنیت اجتماعی نیز همسوست؛ از این‌رو برای سیاست‌گذاری

فرهنگی، بررسی موضوع محرومیت - فریب در مناسبات جوانان، از منظر جامعه‌شناختی پیشنهاد می‌گردد.

کتابنامه فارسی

۱. آزاد ارمکی، تقی و افسانه کمالی، ۱۳۸۳، «اعتماد، اجتماع و جنسیت؛ بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره دوم.
۲. امیرکافی، مهدی، ۱۳۷۴، اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مسعود چلبی، دانشگاه شهید بهشتی.
۳. پنجه‌بند، یوسف، ۱۳۸۵، بررسی تأثیر خانواده بر میزان اعتماد اجتماعی دانش‌آموزان سال سوم متوسطه دبیرستان‌های شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مسعود گلچین، دانشگاه تربیت معلم.
۴. توسلی، غلام‌عباس، ۱۳۶۹، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
۵. چلبی، مسعود، ۱۳۷۵، جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نی.
۶. چلبی، مسعود، ۱۳۸۵، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نی.
۷. زتومکا، پیوتر، ۱۳۸۶، اعتماد؛ نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: شیرازه.
۸. سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱، بررسی وضعیت ازدواج جوانان، تهران: اهل قلم.
۹. سفیری، خدیجه و مؤمنه میرزامحمدی، ۱۳۸۵، «اعتماد به همسر؛ مطالعه موردی زنان شهر تهران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ش ۱.
۱۰. عباس‌زاده، محمد، ۱۳۸۲، بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاه تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حسین بنی‌فاطمه، دانشگاه تبریز.
۱۱. فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۷۹، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
۱۲. کلمن، جیمز، ۱۳۷۷، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
۱۳. گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۷، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
۱۴. گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۸، تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.

۱۵. میزتال، باربارا آ.، ۱۳۸۰، «بررسی مفهوم اعتماد در میان جامعه‌شناسان کلاسیک»، ترجمه و تلخیص ناصرالدین غراب، نمایه پژوهش، ش ۱۸، س ۵.

کتابنامه لاتین

16. Buchan, N. R. & et al, 2002, "Swift Neighbors and Persistent Strangers; A Cross-Cultural Investigation of Trust and Reciprocity in Social Exchange", *American Journal of Sociology*, Vol. 108, pp 168-206.
17. Burton, L. & et al, 2007, "The Role of Trust in Low Income Mothers' Intimate Unions", Annual Meeting of the American Sociological Association.
18. Charlsley, K., 2007, "Risks, Trust, Gender & Transnational Cousin Marriage among British Pakistanis", *Ethnic & Racial Studies*, Vol. 30, No. 6, pp 1117-1131.
19. Delhey, J. & K. Newton, 2002, "Who Trusts? The Origins of Social Trust in Seven Nations", *Social Science Research Center Berlin (WZB)*.
20. Harris, V. W. & et al, 2008, "Role of Friendship, Trust, & Love in Strong Latino Marriage", *Marriage & Family Review*, Vol. 44, Issue 4, pp 455-488.
21. Mitchell, C. E., 1990, "Development or Restoration of Trust in Interpersonal Relationships during Adolescence", 00018449, Vol. 25, Issue 100.
22. Ross, C. E. & et al, 2001, "Powerlessness and the Amplification of Threat; Neighborhood Disadvantage, Disorder, and Mistrust", *American Sociological Review*, Vol. 66, pp 568-591.
23. Taylor, P. & et al, 2007, "Americans and Social Trust; Who, Where and Why", A Social Trends Report, Pew Research Center. <http://pewresearch.org>.
24. Van de Rijt, A. & V. Buskens, 2006, "Trust in Intimate Relationships; The Increased Importance of Embeddedness for Marriage in the United States", *Rationality & Society*, Vol. 18, Issue 3, pp 123-156.
25. Yamagishi, T. & et al, 1998, "Uncertainty, Trust, & Commitment Formation in the United States & Japan", *American Journal of Sociology*, Vol. 104, pp 165-94.